

پیش‌گفتار

قریب دو سده از انتشار اولین روزنامه ایرانی و بیش از یک سده از تصویب نخستین قانون مطبوعات به منزله یکی از نخستین اقدامات مجلس قانون‌گذاری ایران می‌گذرد، اما حقوق مطبوعات هنوز دغدغه‌ای زنده و مهم به شمار می‌رود. تغییر و تحول پی‌درپی در ساختار و محتوای قوانین از سویی و بی‌توجهی زمامداران و ارباب جراید به اجرای دقیق و صحیح آنها از سوی دیگر، موجب شده است که حقوق مطبوعات ایران به رغم سابقه‌ای صد ساله همچنان ناتمام و ناکارآمد بماند.

جرم‌مطبوعاتی به عنوان مفهومی عام که گروهی از جرائم را دربر می‌گیرد و نظامی ویژه در مسئولیت و دادرسی را در پی دارد از حساس‌ترین و برجسته‌ترین مباحث حقوق مطبوعات است. زیرا جرم‌مطبوعاتی حدود کیفری آزادی بیان را مشخص می‌کند و هر ابهام یا توسعه‌ای در آن می‌تواند ابهام یا تحدیدی در حوزه آزادی بیان قلمداد شود. این اثر جرم‌مطبوعاتی را از منظر حقوق کیفری ایران بررسی کرده، گاه به مناسبت از حقوق کشورهای دیگر - به‌ویژه انگلستان - یاد می‌کند. با توجه به اهداف حقوق کیفری، تبیین مفهوم؛ بررسی ارکان تشکیل‌دهنده؛ احصای مصادیق؛ طبقه‌بندی مصادیق؛ شناسایی مسئول کیفری؛ بررسی مجازات‌های آن و همچنین شیوه خاص دادرسی در قلمرو جرم‌مطبوعاتی مورد توجه این نوشتار بوده است.

جرم‌مطبوعاتی نقطه تلاقی حقوق مطبوعات و حقوق کیفری است، این ویژگی سبب شده است که مباحث مربوط بدان از دو سلسله قواعد حقوقی تبعیت کند و گاه از سنت حقوق کیفری فاصله بگیرد. فصل یکم کتاب با عنایت به همین نکته به بررسی نظام حقوقی مطبوعات اختصاص یافته است. این فصل با بررسی مفهوم

مطبوعات آغاز می‌شود و در ادامه به شناسایی منابع حقوق مطبوعات می‌پردازد و در آخر با تبیین مفهوم بین‌المللی و داخلی آزادی مطبوعات، زمینه‌های حقوق مطبوعات را مورد اشاره قرار می‌دهد.

فصل دوم به بررسی مفهوم جرم مطبوعاتی و عناصر اصلی شناسایی آن اختصاص یافته است. این فصل با بررسی ارکان شکل‌دهنده جرم مطبوعاتی، طبقه‌بندی مصادیق این جرم را نیز مورد مطالعه قرار داده است.

فصل سوم نیز پاسخ‌گویی به مجرمان مطبوعاتی را از دو منظر به بحث می‌گذارد. ابتدا مسئولیت ناشی از جرائم مطبوعاتی و کیفیت توزیع آن در میان افراد دخیل در تحقق جرم را بررسی می‌کند و سپس به احصای مجازات‌های متداول در حوزه جرائم مطبوعاتی و چگونگی تعدیل آنها می‌پردازد.

فصل چهارم و پایانی نیز کیفیت رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را به عنوان ویژگی ممتاز این جرائم در حقوق ایران مورد توجه قرار می‌دهد.

بررسی جرم مطبوعاتی به مثابه عنوانی عام که نوعی از جرم‌ها را پوشش می‌دهد موجب می‌شود که ویژگی‌های مصادیق آن کمتر مورد توجه این اثر باشد. همچنین پیشبرد بحث در فضای حقوق کیفری، نویسنده را بر آن داشته است تا با صرف نظر از مباحث غیرضرور تاریخی، همت خود را بیشتر بر دریافت وضعیت فعلی جرم مطبوعاتی در نظام حقوقی کشور معطوف سازد. همچنین نظر به اینکه این کتاب تنها برای دانشجویان و پژوهشگران رشته حقوق نوشته نشده است، تلاش بر این بوده است تا مباحث به گونه‌ای تدوین شود که خوانندگان غیرحقوقی به‌ویژه دانشجویان ارتباطات، نیازمند مراجعه گسترده به منابع حقوقی نباشند.

پیوست‌هایی به متن افزوده شده است که به صورت نمودار یا جدول مطالبی مهم را که شرح تفصیلی‌شان با حجم و مقتضای این کتاب سازگار نمی‌نمود، ارائه می‌دهد.

بر خود لازم می‌دانم از استاد بزرگوار دکتر حسین میرمحمد صادقی که در مسیر تدوین متن ابتدائی این اثر از راهنمایی ایشان برخوردار بوده‌ام به رسم سپاس

یاد کنم. از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر محمد آشوری و دوستان گران‌قدرم آقایان علی شجاعی و دکتر مهرداد رایجیان اصلی که با صرف وقت و خواندن متن، نکات ارزشمندی را یادآور شدند و همچنین برادر گرامی‌ام آقای احمد قاسمی رئیس کتابخانه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش که مشفقانه در یافتن منابع و آراستن متن ارائه شده به سمت مرا یاری رساند سپاس‌گزاری می‌کنم. همچنین از مسئولان سازمان سمت به‌ویژه جناب آقای دکتر مرقاتی که راهیابی این اثر را به سمت رقم زد و سرکار خانم شجاعی کارشناس کوشای گروه حقوق که صبورانه ماه‌ها پیگیر به ثمر رسیدن آن بود، همچنین کارکنان بخش تدوین سمت به‌ویژه سرکار خانم سمیه یحیوی و سرکار خانم محبوبه محمدی که در اصلاح و آماده‌سازی متن رنج فراوانی را متحمل شدند و نیز دکتر احمد احمدی رئیس فرهیخته سازمان و دکتر باقر انصاری مدیر محترم گروه حقوق که با رویکرد مثبت بدین تلاش نگریستند صمیمانه قدردانی می‌کنم.

قاسم محمدی

بهار ۱۳۹۰

مقدمه

جرم به عنوان رفتاری هنجارشکن که نظم و همزیستی را در جامعه تهدید می‌کند، قدمتی به بلندای تاریخ جوامع انسانی دارد؛ و از آنجا که واقعیتی بشری است از متغیرهای بشری نیز تبعیت می‌کند و در بستر زمان و مکان و با گسترش و تنوع علوم و فناوری، صورت‌های گونه‌گونی به خود می‌گیرد. همین نکات شناخت پدیده جنائی و راهکارهای کنترل آن را پیچیده و دشوار می‌سازد و ضرورت چاره‌اندیشی جمعی برای حفظ نظم جامعه و پاسخ‌گویی به رفتارهای جنائی را گوشزد می‌کند. هر جا جامعه‌ای شکل می‌گیرد و ارتباطاتی بشری در قالب آن سامان می‌یابد، جرم را به عنوان تهدیدی احتمالی نمی‌توان نادیده گرفت. حال آنکه امروزه گسترش روابط اجتماعی و ارتقای آن از سطح نظام‌های کوچک قبیله‌ای و خانوادگی به ساختارهای گسترده کشوری، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی از سویی و بالا رفتن توان ابزارها از سوی دیگر موجب شده است که آثار جرم‌ها گستره و عمق بیشتری به خود بگیرد.

در این میان، مطبوعات به عنوان ابزاری نیرومند و اثرگذار سرگذشتی پیچیده داشته‌اند. رسانه‌ها از آن رو که با نشر اطلاعات و اخبار مرتبط‌اند و بر سازمان‌دهی و راهبری افکار عمومی جامعه اثر می‌گذارند، نقش مهمی را در امنیت ملی بازی می‌کنند. اطلاعات (اخبار و علوم) همواره یکی از ارکان امنیتی جوامع به شمار آمده، حجم و سرعت دستیابی بدانها نقش مؤثری در به دست آوردن ابتکار عمل در تحولات اجتماعی دارد. بدیهی است هر چه این فرایند دقت بیشتری داشته باشد، قدرت برنامه‌ریزی و اقدام شایسته نیز بالاتر خواهد رفت. از همین رو صاحبان قدرت و طالبان آن همواره از اطلاعات به عنوان ابزاری مهم در رسیدن به اهداف خود

بهره برده، کوشیده‌اند فرایند شکل‌گیری و نشر آن را به انحصار خود درآورند.^۱ مدیریت اطلاعات در دوران کهن با روش‌هایی ساده و ابتدائی عملی بود و حاکمان می‌توانستند به‌سادگی از دستیابی مردم به اطلاعات طبقه‌بندی شده جلوگیری کنند، اما در سده‌های اخیر جامعه بشری از امکانی که به واسطه دستیابی به صنعت چاپ در نشر اطلاعات فراهم آمده بود، برای طراحی مؤسسات تولید و نشر اخبار بهره برد و خبر را کالایی ارزشمند و قابل فروش و سرمایه‌گذاری قلمداد کرد.^۲ گسترش هر چه بیشتر مراکز نشر اطلاعات و اخبار انحصار خبر را از دست صاحبان قدرت خارج می‌کرد و اخبار هر روز با بهایی ارزان‌تر و از مسیری ساده‌تر در اختیار طیف گسترده‌تری از گروه‌های مردمی قرار می‌گرفت؛ فرایندی که به مرور رسانه‌های بزرگ و به تبع آن ناشران متمول آنها را در جایگاه تصمیم‌گیرندگان اصلی عرصه اطلاعات نشاناند.^۳

در این میان مطبوعات تا سال‌ها تنها ابزار ارتباط گروهی بشر بودند. از همین رو، از سویی تأثیر شگرفی در شکل‌گیری تحولات اجتماعی قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی گذاشتند و از سوی دیگر بیش از دیگر فعالیت‌های اجتماعی دچار محرومیت و محدودیت شدند؛ به گونه‌ای که تا سال‌ها برخی دولت‌ها توزیع هر نشریه‌ای را منوط به کنترل و تأیید خود کردند.^۴

۱. ر. ک: ماسولنی، جیان پترو و وینفرد شولتر، «رسانه‌ای شدن سیاست، چالشی برای دموکراسی»، ترجمه زهره بیدختی و فاطمه فرهنگ‌خواه، رسانه، سال یازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹، ص ۷-۲۱.

۲. تامپسون، جان ب.، رسانه‌ها و مدرنیته (نظریه اجتماعی رسانه‌ها)، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۶۶-۸۸.

۳. خانیکی، هادی، «جامعه مدنی و روزنامه‌نگاری آرمانی، چالش‌ها و چشم‌اندازهای عمومی و ملی»، رسانه، سال یازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹، ص ۲۵؛ پیترسون، دیوید، «نقش سرمایه‌داری جهانی در رسانه‌های جهانی» (مصاحبه زی‌مگزین با ادوارد اس. هرمن و رابرت دبلیو. مک‌چسنی)، ترجمه حسن کلباسی، رسانه، سال یازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹، ص ۳۴-۴۳.

4. Rember, Don R., *Mass Media Law*, University of Washington, 1999, p. 35.

از سوی دیگر با عمق گرفتن مبانی مردم‌سالاری و گسترش نهادهای مدنی، مطبوعات لایه‌ای میان حکومت و مردم را شکل دادند و به نمایندگی از مردم با پشتوانه قدرتی که در سامان‌دهی افکار عمومی به دست آورده بودند^۱ نوعی نظارت بر عملکرد دولت‌ها را در پیش گرفتند؛ امری که نیازمند دستیابی بیشتر به اطلاعات و آزادی بیان دیدگاه‌ها و مواضع انتقادی بود^۲ و موجب می‌شد که نشریات گسترده‌تر از گذشته در معرض تهدید دولت‌ها قرار گیرند.

نقشی که مطبوعات در بسیج توده‌ها و ترویج مردم‌سالاری در این سال‌ها ایفا کردند موجب شد که به عنوان رکن چهارم دموکراسی شناخته شوند^۳ و ضرورت حمایت از نشر آزادانه آنها در جهت ایفای رسالت اجتماعی‌شان مورد توجه و تأکید قرار گیرد. براساس همین رویکرد بود که نهضت‌های فکری و اجتماعی نیز کوشیدند تا محدودیت‌های خود را در زمینه نشر عقاید و افکار در مطبوعات به حداقل برسانند و حرکتی را سامان دهند که در نهایت به دو اصل مهم حقوقی جهان امروز بدل شد: اصل آزادی بیان^۴ و اصل آزادی اطلاعات.^۵

این فرایند هر چند همگام با حرکت جامعه بشری به سوی مردم‌سالاری و پس زدن حکومت‌های استبدادی قدم برمی‌داشت و میزان بهره‌برداری صاحبان قدرت را از منابع اطلاعات به حداقل می‌رساند، اما چالش‌های تازه‌ای را نیز برای جامعه بشری پدید آورد. از آن جمله است:

- به وجود آمدن ابزاری جدید برای تجاوز به حقوق عمومی و خصوصی؛
 - ایجاد محملی برای شکل‌گیری چالش‌های جدید در قالب جنگ اطلاعات؛ و
 - جایگزین شدن سرمایه‌داران به جای زورمداران در روند کنترل اخبار.
- این سه چالش بزرگ از سویی ضرورت پیش‌بینی محدودیت‌هایی را در اداره

۱. تامپسون، جان ب.، همان، ص ۲۰.

2. Bright, Martin, "Secrecy Laws Will Never Be the Same", *New Statesman*, Vol. 129, London, 22 Aug. 2000, p. 8.

۳. عراقی، احمد، *حقوق اساسی ایران*، تهران: مؤلف، ۱۳۳۱، ص ۱۲۸.

4. The Principle of Freedom of Expression

5. The Principle of Freedom of Information

مطبوعات و محتوای آنها گوشزد می‌کرد و از سوی دیگر بهانه‌ای به دست صاحبان قدرت می‌داد که تدابیری در جهت تحدید انتشار اطلاعات بیندیشند و موانعی در مسیر نشر آزادانه اخبار بگذارند.

ایجاد تعادل میان رعایت آزادی‌های مذکور و تعیین محدودیت‌های قانونی مطبوعات - با توجه به حضور جریان‌هایی که از این محورها برای دستیابی به منافع سیاسی خود سود جستند - همواره مسئله‌ای دشوار بوده است.

از چشم‌اندازی دیگر، مطبوعات به عنوان مراکز کسب و تولید اطلاعات و اخبار و همچنین انتقال و نشر آنها نقشی حیاتی در نشر دانایی بر عهده دارند. از همین رو، حفظ حیات مطبوعات مسئله‌ای مهم در رشد و بالندگی کشورها بوده، وضعیت آنها یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها به شمار می‌رود.^۱

آنچه گفته شد رشد تاریخی مطبوعات و مقررات وضع شده در خصوص آنها را در ارتباطی تنگاتنگ با اندیشه و سرمایه قرار می‌دهد. این پیوستگی در مغرب زمین در سه فرایند مشخص جلوه گر می‌شود:

۱. گذار از سلطنت مطلقه به مشروطه و پس از آن مردم‌سالاری (دموکراسی)؛
۲. گذار از جزم‌اندیشی به آزادی بیان و پس از آن رواداری (تولرانس)؛ و
۳. گذار از دوره الزامات دولتی به آرمان‌های انقلابی و پس از آن سلطه سرمایه.^۲

اما در کشور ما سرنوشت اجتماعی مطبوعات روایت دیگری دارد. مطبوعات ایران در عصر سلطنت مطلقه پای گرفت و در گذار از آن به سلطنت مشروطه و سپس جمهوریت نقشی نسبی داشت؛ اما همواره با مسئله آزادی بیان روبه‌رو بوده و جز در دوره‌هایی خاص در بند الزامات دولتی باز مانده است. این همه در حالی است که فقدان یا ضعف نهادهای مدنی کارآمد و وظایف احزاب و نهادهای مشابه

۱. اسدی، علی، «تنگناهای مطبوعات ایران»، سخنرانی ایراد شده در اولین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، ۶ و ۷ اسفند ماه ۱۳۶۹.

۲. خانیکی، هادی، همان، ص ۲۴.

آنها را به صورتی غیرنهادی بر دوش مطبوعات نهاده و در نتیجه علاوه بر اینکه بار مسئولیت روزنامه‌نگاران را سنگین‌تر کرده، آنها را در برابر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز به شدت آسیب‌پذیر ساخته است.^۱

قانون مطبوعات امروز ایران گاه سیاستی سخت‌گیرانه را نسبت به مطبوعات روا داشته است که تغییرات و اصلاحات متوالی این قانون نیز به مرور بر سنگینی این مسئولیت افزوده است. هر چند ملاحظات قانون‌گذار اغلب برآمده از حوادث و شرائط ویژه اجتماعی است اما به نظر می‌رسد بتوان در کنترل برخی ناهنجاری‌ها (تخلفات) راهکارهایی غیرکیفری را پیش گرفت. کیفر به عنوان آخرین ابزار حقوق باید با نگاهی حداقلی نگریسته شود تا به هر بهانه‌ای افراد با اتهام سنگین بزهکاری دست به گریبان نشوند.